

# دکتر گری میدورز، اول قرن‌تیان، سخنرانی ۲۸، اول قرن‌تیان ۱۲-۱۴، پاسخ پولس به سؤالی در مورد عطایای روحانی، مقدمه‌ای بر اول قرن‌تیان ۱۲-۱۴

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر گری میدورز در تدریس خود در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۲۸، اول قرن‌تیان ۱۲-  
پاسخ پولس به سوالات مربوط به عطایای معنوی است. مقدمه‌ای بر اول قرن‌تیان ۱۲-۱۴، ۱۴،

خب، به سخنرانی ما که از فصل‌های ۱۲ تا ۱۴، بخش اصلی بعدی کتاب اول قرن‌تیان، شروع می‌شود، خوش  
آمدید. ما راه زیادی را پیموده‌ایم. این سخنرانی شماره ۲۸ است و شما یادداشت شماره ۱۴ را دارید که باید از  
صفحه ۱۷۸ شروع شود.

بنابراین، برای اینکه سخنرانی بیشترین مفهوم را داشته باشد، باید این یادداشت‌ها را جلوی خود داشته باشید  
زیرا من گاهی اوقات مطالب را به طور کامل می‌نویسم و نمودارهایی را در اختیار شما قرار می‌دهم که به  
روشن شدن آنچه می‌گویم کمک می‌کند. خب، فصل‌های ۱۲ تا ۱۴ به دلیل این واقعیت که به این  
سوال در مورد عطایای معنوی می‌پردازند، بسیار مشهور هستند. به خلاصه بخش در صفحه ۱۷۸ توجه  
کنید.

پولس از دو منظر، عطایای معنوی را مورد بحث قرار می‌دهد، خداوند متعال و قانون عشق. تنها عطایی که  
به نظر می‌رسد در قرنتس مشکل ایجاد می‌کرد، زبان‌ها بود. با این حال، پولس استدلال می‌کند که زبان‌ها، به  
جای اینکه آزمون نهایی معنویت باشند، در واقع یکی از کم‌مطلوب‌ترین عطایا هستند.

گذشته از اینکه در فهرست هدایا در آخر قرار گرفته است، کل استدلال آیات ۱۲ تا ۱۴ این است که  
تهذیب نفس و محبت، والاترین مظاهر معنویت هستند، نه زبان‌ها. در واقع، زبان‌ها در واقع مانعی برای  
تهذیب نفس و محبت بودند. در مقایسه با عطایای آشکارتر، عمل به فضیلت مسیحی برای برخی از این  
قرنتیان، بی‌روح و بی‌رنگ به نظر می‌رسد.

بحث پولس در این مورد، حماسی است. او با نشان دادن اینکه خداوندی مسیح، همانطور که لئون موریس  
مشاهده کرده است، مهم است، شروع می‌کند. بنابراین، ما قصد داریم از این فصل‌ها عبور کنیم.

فصل ۱۲ موضوع هدایا را مطرح می‌کند. فصل ۱۳ فصل مهمی در مورد عشق است که همه آن را  
می‌شناسند. فصل ۱۴ به تنظیم این هدایا می‌پردازد.

اما این یک واحد است و بسیار مهم است که آن را در کنار هم نگه داریم. فصل ۱۳ یک بحث فرعی یا  
حاشیه‌ای نیست، بلکه چسبی است که فصل‌های ۱۲ و ۱۴ را به هم متصل می‌کند و کل این موضوع را در  
مورد جامعه مطرح می‌کند و نه فقط در مورد افرادی که فکر می‌کنند شاید بهتر هستند زیرا نوعی استعداد  
بیرونی آشکار مانند زبان‌ها را به کار گرفته‌اند. از نظر ساختاری، ریچارد هیز یک ساختار سه‌گانه در این  
فصل‌ها می‌بیند.

البته، فصل‌ها در تاریخ مسیحیت بسیار دیر اضافه شدند و نظم‌سازی نیز در همین دسته قرار می‌گیرد. اما افزودن فصل‌ها و آیات، روی هم رفته، مفید بوده است. بدیهی است که این کار در ابتدا انجام می‌شد تا مردم بتوانند چیزهایی را پیدا کنند، اما کسانی که این کار را انجام دادند، کار شایسته‌ای در تقسیم‌بندی فصل‌ها انجام دادند، هرچند نه همیشه.

فصل‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ واحدها هستند، واحدهای بزرگ، و این جایی است که تقسیم‌بندی‌های فصل‌های ما اتفاقاً در آن قرار می‌گیرند. فصل ۱۲ نقش مکمل هدایا در جامعه را مورد بحث قرار می‌دهد. هدایا اقلای فردگرایانه و خصوصی نیستند، بلکه برای خیر جامعه هستند.

این موضوعی است که بارها و بارها در این فصل‌ها مطرح می‌شود. استعاره بدن به یک ارائه اصلی در این زمینه تبدیل می‌شود. فصل ۱۳ عشق را به عنوان هنجاری که بر همه تجلیات معنوی حاکم است، ارائه می‌دهد.

عشق اصل تنظیم‌کننده است. عشق چیزی است که در یک جامعه عمل می‌کند. فردگرایانه نیست، اما به جای اجزای منفرد، به کل نگاه می‌کند.

سپس فصل ۱۴ دستورالعمل‌هایی برای مدیریت عطایا تحت چتر عشق ارائه می‌دهد. در آن فصل، به ویژه زبان‌ها به عنوان مدیریت‌شده، ادامه می‌یابد. این موضوع اکنون به عنوان مشکل اصلی مطرح می‌شود.

در مورد ماهیت این مشکل اطلاعات زیادی به ما داده نشده است، زیرا در جاهای دیگر به ما اشاراتی شده است. می‌توانیم فرض کنیم که کسانی که جایگاه اجتماعی داشتند، احتمالاً برای ارتقای جایگاه خود به زبان‌های مختلف صحبت می‌کردند. این یک فرض است، اما با توجه به آنچه تاکنون در مورد جامعه قرن‌تیان دیده‌ایم، فرضی منطقی خواهد بود.

برخی از مشاهدات ساختاری دیگر را در صفحه ۱۷۸ مشاهده خواهید کرد. به نظر می‌رسد که متن در هم ریخته است، اما من سعی کرده‌ام یک تقاطع را در اینجا به شما نشان دهم. در آیات ۱۲: ۱-۳ این جمله را داریم که عیسی خداوند است.

این اغلب نادیده گرفته می‌شود، اما سرعت برنامه‌ریزی‌شده‌ی آنچه در فصل‌های ۱۲ تا ۱۴ اتفاق می‌افتد را تعیین می‌کند. عیسی خداوند است. متوجه خواهید شد که ۳۷: ۱۴-۴۰ که کل این بخش را به پایان می‌رساند.

ما آموزه‌ای داریم که می‌گوید عیسی خداوند است. اگر بخواهیم از تشبیه در جناس استفاده کنیم، عیسی خداوند است، زیرا این ارتباطی است که پولس به دنبال آن است. این آموزه برای آموزش مردم است، نه فقط برای مشاهده کسی که کاری را انجام می‌دهد که حتی نمی‌فهمند.

در وسط آن دو پرانتز، عیسی خداوند است، تعلیم خداوند است. آیات ۴: ۱۲-۳۰ را داریم که در آنها وحدت و تنوع نقش دارند. آیات ۳۱: ۱۲-۱۳: ۱۳ را داریم که در آنها اولویت عشق را داریم و این به عنوان حد وسط در نظر گرفته می‌شود زیرا خداوند، خداوند، بر روی مرزها.

وحدت و تنوع ۱۴ درباره نظم است. چگونه می‌توان در عطایا نظم ایجاد کرد و وحدت را حفظ ۳۰-۴: ۱۲ کرد؟ و محور تمام این ماجرا، مسئله عشق در فصل ۱۳ است.

من فکر می‌کنم این یک ارائه‌ی درست از مفهوم تقاطع است، و تقاطع ساختار و چگونگی پیوند چیزها را نشان می‌دهد. بنابراین، اولویت فصل ۱۳ را به ما نشان می‌دهد. این فقط یک نکته‌ی فرعی یا یک عبادات

کوچک و بامزه نیست که در میانه‌ی این ماجرا گیر کرده باشد، بلکه اصل مدیریتِ نحوه‌ی ابراز پرستش عمومی است.

بسیار خوب، اینها برخی موارد ساختاری جزئی هستند؛ بیشتر آن نسبتاً واضح است، و ما از پایین صفحه علامت‌گذاری شده است. آن عبارت یونانی که peri-de شروع می‌کنیم، اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ اکنون با ۱۷۸، بارها و بارها دیده‌ایم، که اغلب به معنای واقعی کلمه ترجمه می‌شود، اکنون نگران‌کننده است. و بنابراین پولس در فصل ۱۲ شروع می‌کند، اکنون در مورد عطایای روح صحبت می‌کند.

اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ این بار، پولس سوال یا شعاری ارائه نمی‌دهد که به آن پاسخ دهد. مشکل آشکار می‌شود اما این بار، این پاسخ نه به سوال، بلکه به مسائل کلی مربوط به ابراز عطایا مربوط می‌شود. می‌توانیم همین جا، در ابتدا، قبل از اینکه خیلی به این موضوع پردازیم، بگوییم که اینها عطایای فعال بودند و راه‌های مشروعی برای انجام عبادت بودند.

پولس هرگز نمی‌گوید که آنها نبودند، اما آنها را تنظیم می‌کند. و بعداً دوباره به آن اشاره خواهیم کرد، در واقع برای من بسیار جالب است که تنها جایی که این موضوع در عهد جدید بیان شده و به آن پرداخته شده است، همینجاست. در رساله‌های شبانی در کتاب افسسیان، که دو کتاب اصلی کلیسا در مورد نظم و عملکرد هستند، هرگز به آن اشاره نشده است.

و این برای من جذاب است زیرا احتمالاً آنها پس از این مسائل در اول قرن‌تین آمده‌اند. در نتیجه، انتظار می‌رود که کمی تأمل کنید. شاید قرنتس تنها مکانی بود که دقیقاً به این شکل عبادت عمومی انجام می‌داد.

ما نمی‌دانیم، اما این یک مشاهده است که در جای دیگری، به ویژه در نوشته‌های مربوط به سبک شبانی، چنین چیزی دیده نمی‌شود. همه رساله‌ها به سبک شبانی هستند، اما در رساله‌های شبانی، اول تیموتائوس دوم تیموتائوس و تیطوس، و در کتاب افسسیان، که جنبه‌های بسیار مهمی در مورد شبانی دارد، به ویژه در نیمه آخر، چنین چیزی وجود ندارد. این برای من جذاب است.

بسیار خوب، عطایای روحانی و خداوند متعال، فصل ۱۲. تحلیل خود را با برخی مشاهدات کلی در مورد عطایای روحانی در عهد جدید آغاز می‌کنیم. بیایید قبل از اینکه به جزئیات آیات پردازیم، به طور کلی به آن نگاه کنیم.

ممکن است در صفحه ۱۷۹ از خود پرسیم که هدیه چیست؟ اصطلاح هدیه به وضوح مفهوم اول قرن‌تین تا ۱۴ را منتقل نمی‌کند. به خصوص در فرهنگ غرب، کلمه هدیه در فرهنگ ما به دلیل توسعه ۱۲ کریسمس و تولدها، زمانی که هدایایی به شما داده می‌شود. این چیزی است که اکثر مردم احتمالاً بلافاصله با شنیدن کلمه هدیه به آن فکر می‌کنند.

آنها در مورد چیزی که به آنها در آن زمینه داده شده فکر می‌کنند. و اگرچه هدایا به نوعی موهبتی از جانب خداوند هستند، اما مانند هدایای کریسمس نیستند. بنابراین باید در مورد آنچه که از محیط و فرهنگ خودمان در ذهنمان در مورد خود کلمه هدیه تصور می‌کنیم، بسیار بسیار مراقب باشیم.

در واقع، کلمه «هدیه» هرگز در این فصل نیامده است. منطقاً، این یک اصطلاح جایگزین برای اصطلاحات دیگری است که به کاریمای معنوی اشاره دارند. اما کلمه «هدیه»، که یک کلمه رایج در عهد جدید است، یعنی «دورون»، هرگز در این فصل نیامده است.

و بنابراین، باید در مورد چگونگی تصویرسازی این موضوع برای ما بسیار مراقب باشیم. دو اصطلاح یونانی در این فصل‌ها برجسته هستند. کلمه پنوماتیکوس.

ساخته شده است. احتمالاً (pneuma) یک صفت است. از واژه پنوما (Pneumatikos) پنوماتیک شنیده‌اید (pneuma) می‌دانید، درباره پنوما

این کلمه برای روح است. همچنین باد و نفس را در بر می‌گیرد. و روح انسان، روح القدس را نیز در بر می‌گیرد.

کلمه پنوما برای روح القدس استفاده می‌شود. اما اگر آن را به صورت صفت، پنوماتیکوس، درآوریم، چیزی شبیه به یک بدن روحانی را توصیف می‌کند. در اول قرن‌تین ۱۵ خواهیم دید

صحبت در مورد موسی و سرگردانی در بیابان، غذای معنوی است. و بنابراین کاریزما معنوی، کلمه کاریزما به عنوان هدایا ترجمه می‌شود. و این کلمه دوم است

به معنی لطف و بخشش می‌آید. این یک اسم است، اما اصطلاحی است که با بخشش xaris کاریزما از کلمه و موهبت مرتبط است. نمی‌توانید از کلمه هدیه صرف نظر کنید، هرچند من از این کلمه خوشم نمی‌آید

صفتی است به (pneumatikos) نمی‌توانید از آن فرار کنید. همانطور که گفتم، اصطلاح پنوماتیکوس معنای روحانی. ممکن است به اشخاص اشاره داشته باشد

چهار متن، فقط چهار متن، از بین کمتر از 30 مورد استفاده از این اصطلاح در عهد جدید وجود دارد. این اصطلاح خوبی برای مطالعه کلمات است. متوجه خواهید شد که عمدتاً یک اصطلاح پولسی است

این اصطلاحی است که عمدتاً در کتاب اول قرن‌تین و نه در جاهای دیگر آمده است. اصطلاح روحانی هرگز در رابطه با عیسی استفاده نشده است. اما اگر قرار بود در مورد معنای روحانی بودن مطالعه‌ای انجام دهید، بدیهی است که می‌خواستید در مورد عیسی صحبت کنید

بنابراین، یک اصطلاح این حوزه را پوشش نمی‌دهد. این یک جنبه است. و به هر دلیلی، در کتاب اول قرن‌تین بسیار مهم می‌شود

فقط چهار مکان. ضمناً، آن چهار مکان در فرهنگ لغت بائر-آرنت گینگریچ-دنکر در مورد کتاب مقدس یونانی ذکر شده‌اند. و بنابراین این یک مرجع بسیار مهم برای تأیید این است که این چهار مکان به عنوان اشاره به افراد معنوی در نظر گرفته می‌شوند

در این مورد بحث‌های تفسیری وجود دارد، اما حداقل این یک منبع خوب است و در اینجا آنها را معرفی می‌کنیم. ممکن است به یک شخص اشاره داشته باشد. ممکن است به چیزی اشاره داشته باشد، مانند بدن رستاخیز یافته در اول قرن‌تین ۱۵، که خواهیم دید

، pneumatikos یا به قلمرو روح، مانند این به اصطلاح عطایا. در اول قرن‌تین ۱۲ تا ۱۴، اصطلاح عطایا با روحانیان، همراه شده است. این همان روحانیان خواهد بود

اما این منطقی نیست، بنابراین شما باید چیزی ارائه دهید. خب، کسی در ترجمه‌های انگلیسی تصمیم می‌گیرد کلمه هدیه را ارائه دهد تا اینکه اصطلاح جدیدی مانند فیض‌های معنوی ایجاد کند. یا کلمه تجلیات بهتر خواهد بود، همانطور که در آیه تعریف کننده در این فصل خواهیم دید.

فصل ۱:۱۲، به معنای واقعی کلمه، حالا در مورد امور معنوی. اما از آنجایی که این اصطلاح می‌تواند مذکر یا خنثی باشد، می‌تواند چیزهای معنوی یا کلمه مواهبی باشد که ارائه شده‌اند. همانطور که گفتیم، کلمه تجلیات کلمه خوبی خواهد بود.

یا می‌تواند افراد روحانی باشد، کسانی که از جهات خاصی موهبت دارند. می‌تواند با توجه به آیات ۱۲:۲ و ۳، که خطاب به انسان‌ها هستند، مذکر باشد. بنابراین، هر جایی که می‌رویم، و اگر این تفاسیر مفصل‌تر تفاسیر واقعی را می‌خواندید، می‌دیدید که تقریباً هر عبارت، هر کلمه مورد بحث است.

نه اینکه قابل بحث باشد، بلکه نیاز به توضیح دارد. و وقتی مجموعه‌ای از محققان واجد شرایط در بالاترین سطوح را دارید، با دیدگاه‌های مختلفی در مورد چگونگی توصیف چیزها مواجه خواهید شد. بسیار خب اصطلاح کاریزما.

این یک اسم خنثی است. به یاد داشته باشید، اگر اصلاً یونانی را مطالعه نکرده باشید، ممکن است این را ندانید، اما یونانی مانند لاتین است. یک زبان جنسیتی است.

شما مذکر، مونث و خنثی دارید. جنسیت مطلقاً هیچ ارتباطی با آنچه کلمه نشان می‌دهد ندارد. کلمه گناه یک کلمه مونث است.

خب، این به این معنی نیست که فقط زنان گناه می‌کنند. و بنابراین، باید مراقب باشید. کلمه روح یک کلمه خنثی است.

پنوما یک اسم خنثی است. این بدان معنا نیست که روح یک شیء است نه یک شخص. شما باید ایده معمول ما از جنسیت را از این کلمات یونانی جدا کنید زیرا کلمات مذکر، مونث و خنثی این دسته بندی‌ها را به عنوان اسم و صفت دارند، اما در نهایت هیچ ارتباطی با مسئله جنسیت ندارد.

این فقط به دستور زبان مربوط می‌شود، و آنها به معنای جنسیتی تجزیه می‌شوند، اما این یک چیز دستوری است. این یک چیز واقعیت نیست. این اسم از ریشه کلمه‌ای گرفته شده است که به معنای لطف و بخشش است.

در حوزه معنوی، به معنای تجلی ویژه حضور الهی، فعالیت الهی، قدرت الهی یا فیض الهی است. این دو اصطلاح با هم ترکیب شده‌اند. در رومیان ۱:۱۱، جایی که پولس به رومیان گفت که نتوانسته است با آنها صحبت کند، و در انتظار آن می‌گوید، زیرا مشتاق دیدار شما هستم تا بتوانم موهبتی معنوی به شما عطا کنم تا بتوانید استوار شوید.

و بنابراین، در اینجا، اجازه دهید یک کاریزمای پنوماتیکی، یا کاریزمای معنوی، را به شما منتقل کنم. کلمه اسم کاریزما را توصیف می‌کند و به معنای هدیه معنوی ترجمه شده است، اگرچه در واقع به Spiritual، صورت جمع آمده است. در واقع، اینجا به صورت مفرد آمده است، و شما این را از صفت ساده‌تر از خنثی، یعنی هدیه معنوی، می‌دانید.

تا پایان، ممکن است تثبیت شده باشید. با صفت اسمی که به معنای واقعی کلمه کاریزمای معنوی است، این هم از آن. باید با ترجمه سر و کله بزنید.

چیزی به عنوان ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی وجود ندارد، زیرا معمولاً معنی نمی‌دهد. شما باید با اصطلاحات در هیچ یک از این، doron، سر و کار داشته باشید. بسیار خوب، اصطلاح رایج یونانی برای هدیه فهرست‌های هدیه وجود ندارد.

اگرچه اصطلاحات فوق‌تقریباً به طور جهانی به عنوان هدیه ترجمه می‌شوند، چه آن را ارائه دهید و چه کاریزما را به آن ترجمه کنید، و گاهی اوقات حتی وقتی به تنهایی استفاده می‌شود، آن را با این اصطلاح ارائه می‌دهید. این ترجمه انگلیسی در ذهن خواننده غیر منتقد مجموعه‌ای از ایده‌ها را تداعی می‌کند که ممکن است هدف متن باشد یا نباشد. بنابراین لطفاً درک فرهنگی خود را از هدیه گرفتن کنار بگذارید.

از شرش خلاص شو، با ذهنی پاک وارد این فصل شو، و سعی کن بفهمی درون این فصل چه می‌گذرد. خب این تا حدودی پاسخی به این سوال است که از نظر اصطلاحات، هدیه چیست. اما حالا می‌خواهیم بررسی کنیم که این پنوماتیکون را چگونه تعریف می‌کنیم؟ خریسما؟ تعریف عطیه روحانی در متن باب‌های ۱۲ تا ۱۴ در واقع در باب ۱۲ و آیه ۷ آمده است. این بهترین آیه است، آیه‌ای که به نوعی گرد هم آوردن این دو موضوع طراحی شده است.

حال، به هر یک، تجلی روح برای خیر عمومی داده می‌شود. ۱۲:۷، تجلی روح، به معنای واقعی کلمه. ۱۲:۷ است، و به هر یک تجلی روح برای خیر عمومی داده می‌شود.

در اینجا، از کلمه «تجلی» استفاده شده است و از کلمه «روح» برای توصیف «تجلی» استفاده می‌کند. اسم مفعولی مانند صفت است، اما از هیچ یک از دو اصطلاح ما استفاده نمی‌کند. اما به ما می‌گوید که در اینجا در رابطه با این عطایا چه اتفاقی می‌افتد.

بیا بید لحظه‌ای در مورد این موضوع فکر کنیم. حال، برای هر یک از آنها، تجلی روح وجود دارد. این عبارتی است که باید برای توصیف و تعریف هدایای معنوی به آن تکیه کنید.

آنها تجلیات روح هستند. حال، این خود به کمی توضیح نیاز دارد و ما در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بنابراین، وقتی این تعریف را شرح می‌دهیم، برخی از ویژگی‌های آن چیست؟ اول از همه، در پایین بند ۱۷۹ تجلی روح، توانایی یا خدمتی است که روح در درون مؤمنان به فعلیت می‌رساند و حضور روح را آشکار می‌کند.

عیسی گفت، از میوه‌هایشان، آنها را خواهید شناخت. خب، از فعالیت‌های یک جماعت، خواهید فهمید که آیا روح فعال است یا خیر، زیرا فعالیت‌های جماعت منعکس‌کننده‌ی چیزی است که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که روح آن را تقویت می‌کند - عشق، شادی، آرامش، مانند میوه‌ی روح، از این قبیل چیزها.

شما سعی نمی‌کنید روح را به عنوان یک شخص پیدا کنید. شما سعی می‌کنید جلوه‌هایی را که روح ایجاد می‌کند پیدا کنید. مثلاً اگر به یک جماعت بروید و این نوع چیزها را پیدا کنید، می‌دانید که این از روح نیست.

این از جسم است. این از طبیعت نفسانی است. اما اگر ویژگی‌های روح را ببینید، چیزهایی که روح تولید می‌کند، این گواه است.

از میوه‌هایشان، آنها را خواهید شناخت. به درخت نگاه می‌کنید تا بدانید درخت چیست. به آدم‌ها نگاه می‌کنید تا بدانید چه کسانی هستند.

به یک معنا، وقتی درباره این تجلیات روح صحبت می‌کنیم، و درباره روح در ارتباط با جماعت‌ها و مردم صحبت می‌کنیم، از چیزی استفاده می‌کنیم که به عنوان زبان دینی شناخته می‌شود. این یک توصیف است. بیایید کمی بیشتر در مورد آن فکر کنیم.

بسیار خوب، حالا متوجه شده‌اید که اینجا گفتم چامپا، اگر اسمش را درست تلفظ کنم، هرگز او را ندیده‌ام، این را حالت مفعولی فاعلی می‌نامد. آنها تجلیاتی هستند که روح تولید می‌کند. اگر دانشجوی یونانی نیستید، حالت مفعولی در یونانی حالت بسیار مفیدی برای چیزی است که ما آن را تفسیر می‌نامیم.

بخش زیادی از زبان یونانی صرفاً دستور زبان است، اما حالت مفعولی نحوه‌ی استفاده‌ی خاصی دارد و بسیار تفسیری می‌شود. و در حالت مفعولی، حالتی وجود دارد که به عنوان حالت مفعولی فاعلی و مفعولی شناخته می‌شود. برخی از ساختارهای دستوری این را ایجاب می‌کنند.

حالت مفعولی فاعلی به این معنی است که حالت مفعولی، عمل را تولید می‌کند. حالت مفعولی مفعولی به این معنی است که حالت مفعولی، عمل را دریافت می‌کند. بنابراین، اگر می‌دانید حالت مفعولی چیست می‌پرسید که آیا آن را تولید می‌کند یا آن را دریافت می‌کند؟ و در اینجا او می‌گوید که آن را تولید می‌کند، که روح، مواهب را تولید می‌کند.

حالا این را در نظر داشته باشید که اینجا ادامه می‌دهیم - نکته دوم. سوال این است که آیا باید فعل مضارع را در اینجا به عنوان مفعول در نظر گرفت؟ یعنی هدیه، روح را به دیگران در جامعه «pneumatikos» نشان می‌دهد و روح، به اصطلاح، رفتار اخلاقی ما را دریافت می‌کند.

و بنابراین، وقتی مردم به ما به عنوان درخت نگاه می‌کنند، میوه را می‌بینند. بسیار خوب. یا اینکه این یک امر ذهنی است، یعنی آنچه روح در جامعه تولید می‌کند.

حالا، معمولاً، فکر می‌کنم همه فرض می‌کنند که این یک امر ذهنی است، روح تولید می‌کند. چون نگاه گاهی غیرانتقادی ما به معنویت به این معنی است که اگر روح ما را تحریک نکند یا به جمجمه ما نیاید و صحبت نکند و از این قبیل چیزها، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. ما در این زمینه نگاه بسیار عرفانی به معنویت داریم.

و این در واقع باید مورد سوال قرار گیرد. معنویت چگونه اتفاق می‌افتد؟ و چیست؟ ما می‌دانیم که خدا در آن دخیل است. منظورم این است که این یک ادعاست که واضح است.

اما سوال چیست؟ ما چگونه روحانی هستیم؟ روح چگونه این چیزها را تولید می‌کند؟ چگونه اطاعت ما از فهرستی مانند اعمال نفس، ما را روحانی یا جسمانی می‌کند؟ می‌بینید که درک زبان دینی بسیار دشوار است. حال، هر دو معنا با زمینه مطابقت دارند. می‌توانید ذهنی یا عینی باشید.

روح تولید می‌کند، روح دریافت می‌کند به این معنا که آنچه ما انجام می‌دهیم، بازتاب روح است و بنابراین معنوی است. می‌تواند به هر دو صورت باشد. و وقتی کتاب می‌خوانید، محققانی را خواهید یافت که به یکی از این دو صورت می‌روند.

ببینید، این تفسیری است. این چیزی نیست که یونانی به ما می‌گوید. یونانی به ما فرصتی می‌دهد تا تصمیمی بگیریم.

و همین جا باید بگویم که دانستن زبان یونانی تمام سوالات تفسیری و الهیاتی موجود در کره زمین را حل نمی‌کند. دانستن زبان یونانی فقط حل این مشکلات را پیچیده‌تر می‌کند. زبان به خودی خود عصای جادویی نیست که همه چیز را حل کند.

نه عبری و نه یونانی. این به شما کمک می‌کند تا در پیگیری راه‌حل، دقیق‌تر باشید. اما لزوماً مشکل را به خودی خود حل نمی‌کند.

این یک مسئله تفسیری است. این یک مسئله زمینه‌ای است. و انسان‌ها قرار است بار و بندی به آن اضافه کنند.

بنابراین، ما پاسخ‌های متفاوتی داریم. سوم. نقل قول مفعولی به احتمال زیاد در مورد عملی که روحیه را در ملاء عام آشکار می‌کند، عینی‌تر است.

بنابراین، قدرت و هدف جان‌بخش یکی است، حتی اگر پدیده‌ها در قلمرو عمومی اشکال متنوعی به خود بگیرند. تستلتون.

تستلتون آیه را اینگونه ترجمه می‌کند که به هر فرد تجلی روح برای منفعت مشترک داده می‌شود. نکته بعدی. ماهیت زبان معنوی که در مورد آن صحبت کردم باید در نظر گرفته شود.

زیر چتر کلیسا، که فرض می‌کنیم روح آن توانمندساز است، هر فعالیتی که جامعه را برای اهداف معنوی تقویت می‌کند، به زبان دینی به روح نسبت داده می‌شود. اگرچه گاهی اوقات، استعداد یا موهبتی که یک انسان دارد ممکن است محصول سفر یک انسان در زندگی باشد، اما می‌تواند تجلی آن باشد. این طبیعی است، اما چون زیر چتر است، معنوی است.

تشریح علیت روح و علیت ما به عنوان افرادی که خدا را در حال انجام کارهای معنوی می‌دانیم، اگر نگوییم غیرممکن، بسیار دشوار است. اما ما همیشه به طور پیش‌فرض به خدا اعتبار می‌دهیم. به عنوان مثال، اگر در حال رانندگی باشید، و به خصوص در جنوب غربی فلوریدا، جایی که من زندگی می‌کنم، غرب وحشی رانندگی، و به چراغ راهنمایی می‌رسید و چراغ سبز است.

من چون چراغ سبز دارم، فرض نمی‌کنم که کسی نمی‌آید. این فرض‌ها می‌توانند باعث تصادف شوند و شما را به کشتن بدهند، چون در دنیای من، مردم مثل آب خوردن از چراغ قرمز رد می‌شوند. حالا، اگر به چراغ سبز برسیم و مثل همیشه در مورد چراغ‌های راهنمایی فکر انتقادی‌ام را بکنم، ممکن است یک احمق پیدا شود که این کار را بکند.

این خیلی مهمه. و من نگاه می‌کنم، و می‌بینم، شاید این بار یک ماشین پلیس ببینم، اما صدای آژیر را نمی‌شنوم. آژیر، آژیر، می‌دانید که در جنوب آمریکا این‌طور است، دو کلمه می‌شود، آژیر

و شما آن را نمی‌شنوید، اما او را می‌بینید، و با توقف از تصادف جلوگیری می‌کنید. یا شاید ماشین پلیس را در حال تعقیب می‌بینید، و پلیس‌ها پشت آن ماشین گیر افتاده‌اند، و آن ماشین چراغ قرمز را رد می‌کند. و چون با دقت فکر کرده‌اید، توقف کرده‌اید و شاید از یک تصادف مرگبار جلوگیری کرده‌اید.

وقتی این اتفاق می افتد چه کار می کنی؟ متشکرم، پروردگار. مگر نه؟ من این کار را می کنم. اما چرا من از آن حادثه اجتناب کردم؟ آیا با هدایت الهی از آن اجتناب کردم، یا به دلیل تمرین تفکر انتقادی از آن اجتناب کردم؟ احتمالاً مورد دوم.

چون بعضی آدم‌ها، بعضی آدم‌های خوب، بعضی آدم‌های بهتر از من، وقتی به نور می‌رسند، با فکر نکردن می‌میرند. بنابراین، وقتی ما مسیحی هستیم، زیر این چتر زندگی می‌کنیم که برای هر اتفاق خوبی که در زندگی برایمان می‌افتد، به خصوص چیزهایی که ما را می‌ترساند، خدا را شکر می‌کنیم و باید هم شکر کنیم. اما در عین حال، آیا او علت آن فکر بود یا ما علت آن فکر بودیم؟ فرقی نمی‌کند.

ما هنوز خدا را شکر می‌کنیم، درست است؟ خب، در مورد تجلیات معنوی چطور؟ اگر در یک جامعه عشق نشان می‌دهیم، آیا به این دلیل است که خدا ما را مجبور به انجام این کار کرده است، یا به این دلیل است که ما این کار را از روی بلوغ مسیحی خود انجام داده‌ایم؟ می‌بینید، مسئله تجزیه و تحلیل این چیزها نه تنها گاهی اوقات بسیار دشوار است، بلکه شاید غیرممکن باشد، اما لازم هم نیست زیرا، به عنوان مسیحی، ما زیر چتر کلیسا، خدا زندگی می‌کنیم و بنابراین همیشه بدون تجزیه و تحلیل علیت، به او اعتبار می‌دهیم. حال، این یک فکر بسیار مهم است. ممکن است برای شما عجیب باشد.

ممکن است برای شما جدید باشد، اما این یک فکر بسیار مهم است - ماهیت زبان معنوی. اشتباهات زیادی در مورد درک کتاب مقدس رخ می‌دهد زیرا خواندن معمولی کتاب مقدس استعاره‌ها را درک نمی‌کند و تقریباً تمام زبان معنوی استعاری است.

کتاب‌هایی در این مورد نوشته شده است. می‌توانید بروید و آنها را پیدا کنید، باشه؟ حالا، بیایید ادامه دهیم. روح القدس به هر فعالیتی که جامعه را ارتقا می‌دهد، قدرت می‌بخشد.

صفحه ۱۸۰. برای اهداف معنوی، در زبان مذهبی به روح نسبت داده می‌شود، اگرچه گاهی اوقات، استعداد یا موهبت ممکن است محصول سفر یک انسان در زندگی باشد. یک موسیقیدان، یک حسابدار، یک سخنران، کسی که کمک می‌کند و تسلی می‌دهد.

ادامه بده و ادامه بده. برای خدمت با توانایی‌هایت، آن‌هایی که شاید در تمام طول زندگی از بدو تولد و با رشد و نمو داشته‌ای، وقتی زیر چتر کلیسا قرار می‌گیری، به کار گرفتن آن مواهب انسانی به هدایای معنوی تبدیل می‌شوند و برای تو و کلیسا به هدایایی برای عملکرد صحیح تبدیل می‌شوند. من فکر می‌کنم باید از شر عرفان هدایا خلاص شویم.

عطایا، کارکردها هستند و کارکردهای زیر چتر، تجلیات روح هستند. شما می‌توانید یک سرایدار معنوی باشید. خدا می‌داند که سرایداران یکی از بزرگترین مواهب برای یک کشیش در یک کلیسای کوچک هستند، یا قرار است وقت خود را صرف تمیز کردن توالت‌ها و تی کشیدن کف کنید.

اهداف معنوی در زبان دینی به روح نسبت داده می‌شوند، اگرچه گاهی اوقات، استعداد یا موهبت ممکن است محصول سفر یک انسان در زندگی باشد. خدمت با توانایی‌هایتان زیر چتر کلیسا، به کارگیری استعدادهایتان به عنوان یک شخص برای اهداف معنوی و شکل‌گیری معنوی است. حال، برای جمع‌بندی همه این موارد، باید در مورد برخی مسائل دیگر صحبت کنیم، اما فقط می‌خواهم تأکید کنم که باید در مورد این چیزهایی که در موردشان صحبت کردیم، بسیار عمیق فکر کنید.

افراد با استعداد در کلیسا به سطح می‌آیند. این یک استعاره است، تراوش کردن. شما حتی ممکن است معنی آن را نفهمید زیرا هرگز یک تراوش کننده را ندیده‌اید.

در سال‌های اولیه‌ی کارم، قهوه‌جوش یک قوری بود که آب به صورت چرخه‌ای از میان دانه‌های قهوه عبور می‌کرد و قهوه درست می‌کرد. و قهوه‌جوش‌هایی هم بودند که روی اجاق گاز قرار می‌دادید، قهوه‌جوش‌هایی که به برق وصل می‌کردید. این مربوط به گذشته بود، و این روزها به جای قهوه‌جوش، دستگاه‌های اسپرسوساز دارید.

خب، این یک استعاره است. این ایده این است که افراد با استعداد در بحبوحه خدمت، خود را نشان می‌دهند. توجه کنید که چگونه در بحبوحه خدمت تأکید کرده‌ام.

بخشید، امروز خشک است. در بحبوحه خدمت، در نتیجه کار درونی روح و برای تصویرسازی حاصل از یک جامعه معنوی، تراوش می‌کند. ما معنوی هستیم و جامعه معنوی است زیرا ما کارهای معنوی انجام می‌دهیم تا جامعه خود را ارتقا دهیم و به جهان خود برسیم.

بیا بید نگاهی اجمالی به عطایای روحانی در عهد جدید بیندازیم. این کار زمان زیادی نمی‌برد زیرا اطلاعات زیادی در اینجا نداریم. به این نگاه اجمالی در صفحه ۱۸۰ توجه کنید.

اصطلاحاتی که توسط عهد جدید استفاده می‌شوند. کلمه هدیه به آن شکلی که ما در زبان خودمان فهمیده‌ایم، هرگز به آن شکلی که در یونانی ذکر کردیم، استفاده نمی‌شود، اما توسط مترجمان برای ساختارهای زیر ارائه شده است. هدیه یا عناوین یونانی در متون هدیه به شرح زیر است.

کلمه‌ای است که برای روحانی استفاده می‌شود، همانطور که در pneumonticus اول از همه، صفت موردش صحبت کردیم. شما در اول قرن‌تین ۱۲ و ۱۴ با عطایای روحانی مواجه هستید. این بیشتر به عنوان یک صفت، بدن روحانی، غذای روحانی، سرودهای روحانی، برکت روحانی و غیره عمل می‌کند.

این یک صفت است. لطفاً به این ایده که چگونه این کلمه یک صفت است، توجه کنید. یعنی چیزی را توصیف می‌کند.

چهار بار به مؤمنان به عنوان افراد معنوی اشاره می‌کند و هر مرجع، معنویت را به عنوان همبستگی با کلام خدا می‌بیند. این ارجاعات را مطالعه کنید، سه مورد از آنها در قرن‌تین و یکی در غلاطیان. هر یک از این زمینه‌ها، فرد معنوی را به عنوان کسی که از خدا اطاعت می‌کند و با حقیقت کتاب مقدس ارتباط برقرار می‌کند. pneumonticus می‌کند، معرفی می‌کند. بنابراین، کلمه

چیزی که از روی لطف داده شده است. charisma حالا، کلمه

فیض، بخشش. در رومیان برای کلمه نجات استفاده شده است. در رومیان، برکت و امتیازات

تجرد در اول قرن‌تین ۷: ۷. موهبت تجرد. فیض نداشتن میل جنسی و بنابراین نداشتن نیاز در این زمینه. این یک موهبت است.

این چیزی نیست که شما انتخاب کنید. این چیزی است که شما را انتخاب می‌کند. پول از روی لطف داده می‌شود.

عطایای روحانی در رومیان و قرن‌تین در برخی از این متون دیگر نیز ذکر شده‌اند. این اصطلاحات فقط در رومیان ۱۱۱ با هم آمده‌اند. این تنها جایی است که به آنها اشاره شده است.

با توجه به موارد فوق، به اصطلاح عطایای معنوی، مؤمنانی هستند که عملکردهایی را در بدن نشان می‌دهند، نقل قول می‌کنند و با لطف و مهربانی به آنها انرژی می‌دهند که مشخصه مدیریت روح بر فعالیت‌های کلیسای معنوی به نفع بدن است. خوب، این خیلی لقمه است. من سعی می‌کنم هر کاری را که انجام می‌دهم به منابعی مرتبط کنم تا شما فراتر از من اقتدار داشته باشید.

اتفاقاً این جمله‌ی سازنده‌ی من در اینجا است، اما فکر می‌کنم جمله‌ی خوبی است. عملکردهای انرژی بخش، مهربانانه در بدن که مدیریت روح بر فعالیت‌های معنوی کلیسا را به نفع بدن مشخص می‌کنند. بسیار خوب، پس این تعریف را کمی عمیق‌تر می‌کند.

حالا، بیایید در مورد فهرست هدایا صحبت کنیم. اینجا هم چیز زیادی وجود ندارد. ما در عهد جدید چهار فهرست از هدایا داریم، و اشاراتی هم داریم که به موارد غیر فهرستی اشاره می‌کنند، و من به آنها هم اشاره کرد.

باید اینجا به شما اشاره کنم که مسئله فهرست در عهد جدید بسیار رایج است. ممکن است رایج‌تر از آن چیزی باشد که فکر می‌کنید، زیرا آنها را بارها خوانده‌اید، اما عهد جدید تنها کتاب مقدس نیست. افلاطون، سقراط و نویسندگان یونانی عاشق استفاده از فهرست‌ها بوده‌اند.

در واقع، قبل از نگارش عهد جدید، فهرست‌های زیادی از فضایل و رذایل در ادبیات اخلاقی یونان استفاده می‌شد. عهد جدید دقیقاً همین کار را انجام می‌دهد. من یک سری سخنرانی در مورد میوه روح دارم، حدود ۱۰ ساعت.

بروید و در بخش آموزش، [www.gmedors.com](http://www.gmedors.com)، اگر می‌خواهید آن را ببینید، می‌توانید به وبسایت من می‌توانید آن را گسترش دهید و آن را پیدا کنید. من یک سری ویدیوهای کوتاه دارم، اما بعد از آن، یک ساعت سخنرانی دارم. حتی برای آن یادداشت هم دارم.

امیدوارم یکی از این جلسات یادگیری کتاب مقدس یا کتاب مقدس را در مورد آن انجام دهم، اما فهرست چیز بزرگی است. فهرست فضایل، فهرست رذایل، و در اینجا چیزی داریم که ما آن را فهرست هدایا می‌نامیم. اول قرن‌های ۱۲، ۸ تا ۱۰، ما به آن خواهیم پرداخت.

توجه کنید که این لیست چگونه ساخته شده است. بعداً به آن برمی‌گردیم. این عمده است، روشی که من آن را اینجا قرار داده‌ام.

سپس، اول قرن‌های ۱۲:۲۸، یک فهرست دیگر، و متوجه خواهید شد که هیچ یک از این فهرست‌ها یکسان نیستند. ممکن است برخی اصطلاحات معمول و برخی اصطلاحات یکسان داشته باشند، اما هرگز به طور یکسان توالی‌بندی نمی‌شوند. هیچ فهرستی با فهرست دیگر مطابقت ندارد.

رومیان ۱۲:۶ تا ۸ یک فهرست است. باز هم، برخی از موارد را دیده‌ایم، برخی موارد متفاوت هستند، اما تقریباً تصادفی به نظر می‌رسد که افسسیان ۴ فهرست بسیار متفاوتی است. این فهرستی از عملکردها نیست، بلکه فهرستی از افراد است، افرادی که کاری انجام می‌دهند.

بسیاری در مورد افسسیان ۴ به عنوان فهرستی از افرادی صحبت می‌کنند که توسط خدا عطا شده‌اند. باز هم، اعتبار بخشیدن به خدا، چگونه عطا شده؟ عطا شده توسط زندگی و سفرشان تا آن نقطه. به پولس نگاه کنید.

چرا او به عنوان چنین چهره برجسته‌ای در عهد جدید انتخاب شد؟ چون پولس به حوزه علمیه رفته بود. بامزه نیست؟ شما این را دوست دارید، نه؟ بله، او احتمالاً در ۱۲ سالگی در اورشلیم، برنامه دکترا را با غمالائیل و دیگران گذرانده بود. او کاملاً تحصیل کرده بود.

او آماده بود. او سپتواجینت را می‌دانست. او با ادبیات یهودی معبد دوم آشنا بود.

او عهد عتیق را به زبان عبری می‌دانست. خدا به چنین کسی نیاز داشت و او را انتخاب کرد و باید این کار را به گونه‌ای انجام می‌داد تا در مسیر دمشق اتفاق بیفتد. جالب است، اینطور نیست؟ بنابراین، ما افسسیان را داریم. ضمناً، زمینه افسسیان ۴ این است که مقدسین را برای کار خدمت، برای ساختن بدن، و برای ۱:۱۱:۴ همه ما که به وحدت ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم، تجهیز کند.

خب، چهار فهرست وجود دارد. همین. حالا، چند ارجاع غیرفهرست هم وجود دارد.

ما در مورد رومیان ۱:۱۱ صحبت کردیم، جایی که این دو اصطلاح با هم ترکیب شده‌اند. پولس می‌گوید می‌خواهم به شما عطایای روحانی بدهم. رومیان ۱۱:۲۹ به امتیاز اسرائیل اشاره می‌کند، نه به دسته فعلی عطایا.

اول قرن‌تین ۱:۷، تا از هیچ عطای روحانی بی‌بهره نباشید. اکنون در مقدمه‌ی این کتاب هستیم. دوم قرن‌تین ترجمه‌ی کینگ جیمز، به عنوان یک هدیه ارائه می‌شود، اما باید یک نعمت یا لطف باشد، ۱:۱۱.

اما این یک مسئله ترجمه است. اول تیموتائوس ۴:۱۴، از موهبتی که در توست غافل نشو. و اینکه پولس در مورد آن با شاگردش تیموتائوس صحبت می‌کند.

دوم تیموتائوس ۱:۶، عطای درونتان را دوباره شعله‌ور کنید. جلسات شبانی بسیار جالب هستند زیرا بسیار شخصی هستند و کشمکش‌های خود تیموتائوس به نوعی آشکار می‌شوند. اول پطرس ۴:۱۰، مانند مبشرین خوب، با هر عطایی که دریافت کرده‌اید، به یکدیگر خدمت کنید.

بحث‌های زیادی در مورد این موارد وجود دارد، اما فهرست دیگری وجود ندارد. فرض بر این است که افراد عمل می‌کنند و شما می‌توانید از این نامگذاری برای اشاره به، عمل کردن و انجام کار خود استفاده کنید، که نکته همین است. حال، چون افسسیان ۴ کمی خاص است، می‌خواهم در صفحه ۱۸۲ کمی بیشتر در مورد آن صحبت کنم.

افسسیان ۴:۱ آغازگر بخش اخلاقی رساله است. آیا تا به حال توجه کرده‌اید که بیشتر رساله‌های پولس نیمی الهیات و نیمی اخلاق است. ما آن را آموزه و عمل نامیده‌ایم؟

ما آن را با نام‌های زیادی خطاب کرده‌ایم. اما از نظر مذهبی، هر یک از رساله‌های پولس، نصف و نیمه است. اگر چهار فصل داشته باشید، فصل‌های اول و دوم مبانی الهیاتی خواهند بود و فصل‌های سوم و چهارم، کاربرد آنها، یعنی عمل، خواهند بود.

اگر شش فصل وجود داشته باشد، سه و سه خواهد بود. افسسیان ۴ نیمه آخر شش فصل افسسیان را آغاز می‌کند، و حدس بزنید چه شد؟ با به کارگیری آنچه اکنون که این چیزها را آموخته‌اید، انجام می‌دهید. آغاز می‌شود. این جذاب است.

من الگویی دارم که در آن سعی می‌کنم بگویم این الگوی پولس است. ایمان، الهیات است، عشق، اخلاق است، امید، آخرت‌شناسی است. فکر می‌کنم رساله‌های پولس اینگونه هستند زیرا ایمان، عشق و امید در کل آن با هم ادغام شده‌اند.

اینجا نمی‌توانم به آن بپردازم. شاید لازم باشد در فرصتی دیگر و در مکانی دیگر به آن بپردازم. بنابراین افسسیان ۴:۱ کاربرد بخش اخلاق را آغاز می‌کند.

افسسیان ۴: ۱-۱۶ فراخوانی برای حفظ وحدت روح و پیوند صلح است. آن چیست؟ ۱-۶ زمینه‌های وحدت است و تثلیث الگوی وحدت است. ۷-۱۶ تأکید می‌کند که عطایای خداوند به افراد، مردم و مقامات برای تجهیز کلیسا برای کار خود در جهان، وسیله‌ای برای دستیابی به وحدت است.

در نهایت، پاسخ به چگونگی دستیابی به وحدت، آموزش است. شما کشیشان و معلمانی دارید و آنها جامعه را آموزش می‌دهند تا جامعه بتواند کار خدمت را انجام دهد. مسیحیت یکی از ذهن‌محورترین ادیان روی کره زمین است.

و با این حال، ما آن را به یک دین احساسات‌محور تبدیل کرده‌ایم. مردم ذهن را کنار می‌گذارند تا بتوانند فعالیت را انجام دهند. خوب، اگر این کار را بکنید، توانایی و عمق کاری را که انجام می‌دهید، از بین برده‌اید.

شما نمی‌توانید ذهن و عمل را از هم جدا کنید. آنها با هم هستند. این توصیف کتاب مقدس از آن است.

عطایای افراد برای تجهیز کلیسا، راهی است که شما به وحدت دست می‌یابید. همه ما به واسطه ارتباطمان با مسیح، برای انجام وظیفه‌ای در کلیسا، عطایایی داریم. پولس ۷:۴ با استفاده از مزمور ۶۸، با استفاده از یک متن قیاسی، عطایا را تأیید می‌کند و این امر، جنبه‌ای مسیح‌شناختی دارد.

باید بروید و آن را ببینید. عبارت «صعود و نزول» به تجسم و عروج مسیح اشاره دارد. افسسیان ۱۱:۴-۱۶ بر گروهی از افراد با استعداد تمرکز دارد که مسئول تجهیز مؤمنان برای انجام کار خدمت هستند.

کلیسا یک سالن بشارت نیست. بلکه یک مرکز تجهیز است. شما وارد می‌شوید، مجهز می‌شوید، بیرون می‌روید و کار بشارت انجام می‌دهید، و سپس آن افراد را به داخل می‌آوری تا بتوانند برای انجام آن کار مجهز شوند.

در توسعه فرهنگی آمریکا و کلیسای آمریکا، بخش بزرگی از آن، کلیسا را به یک تالار بشارتی تبدیل کرد. آنها با آوردن مردم به مسیح به هدف بزرگی دست یافتند، اما وقتی آنها را به مسیح رساندند، هیچ کاری با آنها نکردند. برخی تلاش کردند، اما شاید آشفستگی که اکنون در کلیسای آمریکا در آن هستیم، نتیجه آن فقدان هدف آموزشی در کلیسا باشد.

من در زندگی‌ام در کلیساهای بزرگ زیادی بوده‌ام، و کاملاً برایم شگفت‌انگیز بوده که در کلیساهای بزرگ هیچ برنامه آموزشی ندارند. آنها مدارس یکشنبه‌ای دارند که گهگاه برگزار می‌شوند و گاهی اوقات ناموفق هستند. آنها مدارس یکشنبه‌ای دارند که به جای آموزش دادن به جماعت، به رفع نیازهای احساس شده اختصاص دارند، البته اگر اصلاً مدرسه یکشنبه‌ای داشته باشند.

چه اتفاقی برای ما افتاد؟ ماموریت آموزشی کجا رفت؟ آیا تا به حال متوجه شده‌اید که در کلیساهای بزرگی، که منابع لازم برای استخدام کارگر را دارند، کشیش ارشد، کشیش اداری، کشیش جوانان، کشیش ارشد کشیش زوج‌های متأهل، پدر، پدر، پدر، برای برخی از شاگردان سابق من وجود دارد. کشیش محقق

کجاست؟ کشیش آموزشی کجاست؟ کسی که نه تنها با استعداد، بلکه برای تدریس آموزش دیده باشد، کجاست؟ کسی که بتواند کشیش ارشد را که احتمالاً خودش به اندازه کافی تحصیل نکرده است، آموزش دهد؟ کلیساهای بسیار کمی این دسته را دارند، زیرا ما ماموریت آموزشی را از دست داده‌ایم. بنابراین، گروهی از افراد با استعداد مسئول تجهیز مؤمنان برای انجام کار خدمت هستند و این تجهیز در رومیان ۱۲: ۱ و ۲ آغاز می‌شود. آنها باید ذهنی متحول داشته باشند تا بتوانند مالکیت پیام مسیحی را به دست آورند و بتوانند آن را به طور معنادار و عمیق برای دیگران تکرار کنند.

بدون آن، نمی‌توانید خودتان را جاودانه کنید. شما وارد می‌شوید تا مجهز شوید. شما بیرون می‌روید تا دیگران را هم وارد کنید.

خب، اینها فهرست‌ها هستند. افسسیان. افسسیان کتاب خیلی خوبی است.

در واقع، برخی گفته‌اند که کتاب افسسیان حتی از کتاب رومیان هم الهیات پولس را بیشتر در خود جای داده است. این فوق‌العاده است. اگر می‌خواهید افسسیان را مطالعه کنید، من به شما تفسیری از هارولد هونر را توصیه می‌کنم.

هارولد هونر. هارولد فکر می‌کنم حدود ۵۰ سال استاد مدرسه الهیات دالاس بود. هونر.

او الان فوت کرده است. او مرد بسیار بسیار خوبی بود. من او را می‌شناختم و همه کسانی که او را می‌شناختند، او را دوست داشتند.

او شخص محترمی بود. او محقق خوبی بود و یک کتاب جامع در مورد افسسیان نوشت. سوالات زیادی در آن کتاب پی‌پاسخ نمانده است.

فکر می‌کنم توسط بیکر منتشر شده است. هارولد هونر در مورد افسسیان. شما این را متوجه می‌شوید، و چیزی خواهید داشت که می‌تواند شما را برای کار خوب در کتاب افسسیان مجهز کند، و علاوه بر این قابل خواندن است.

بعضی از تفسیرها قابل خواندن نیستند چون فقط برای مرجع هستند. فقط مرجع. خب، هونر مطمئناً برای مرجع است، اما به اندازه کافی قابل خواندن هم هست که بتوانید از آن عبور کنید، و موارد دیگری هم وجود دارد.

فلسفه‌ای از فهرست. حالا، وقتی به فهرست‌ها و این فهرست‌های جداگانه فکر می‌کنید، چطور به آنها فکر می‌کنید؟ خب، اول از همه، باید به این افکار فکر کنید. بفرمایید.

هر فهرستی به ندرت کامل است، بنابراین طوری سوار بر اسب یک فهرست نشوید که انگار آخر عمرتان است. اینطور نیست. هیچ فهرستی به خودی خود کامل نیست.

را از هر فهرستی حذف کردیم، طوری S علاوه بر این، هر فهرستی که طراحی می‌شود، و فکر می‌کنم ما آن طراحی شده است که در چارچوب خودش هدفی را دنبال کند. هر فهرستی، به نوعی، از نظر زمینه‌ای مشروط است. خدای من، فهرست‌های خیلی خوبی وجود دارند.

فهرست «ثمرات روح» فهرست فوق‌العاده‌ای است. دوم تیموتائوس فصل ۱، آیات ۵ تا ۷، یکی از فهرست‌هایی را دارد که من دوست دارم، و هر دوی این فصل‌ها به موضوع عشق می‌پردازند، و هر دو عشق را در انتها قرار می‌دهند. اوه، در واقع، میوه اول است.

و خب، در غلاطیان چطور؟ خب، در این فهرست‌ها طرح و نقشه‌ی عظیمی وجود دارد. بعضی از آنها درست و بعضی دیگر به نظرتان بی‌نظم و ترتیب هستند. شاید نتوانید طرح و نقشه را توضیح دهید، و بعد بعضی‌ها آنقدر طراحی شده‌اند که شما را شگفت‌زده می‌کنند. در نتیجه، تمام فهرست‌های با موضوع یکسان باید با هم مقایسه شوند.

بنابراین، اگر می‌خواهید بدانید که هدایا چه هستند، باید به تمام آن لیست‌ها، و همچنین آن‌هایی که لیست را نداشتید اما مرجع را داشتید، نگاه کنید. اما به این نکته توجه کنید، شماره چهار را قرار دهید. مجموع تمام لیست‌های یک موضوع لزوماً به این معنی نیست که شما یک لیست کامل دارید.

پس، تمام هدایایی را که می‌توانید در عهد جدید پیدا کنید، بردارید و برای خودتان یک آزمون طراحی کنید تا بفهمید هدیه افراد چیست، و ممکن است متوجه نشوید که هدیه آنها چیست، زیرا موهبت طبیعی آنها برای خدمت به مسیح در کلیسا ممکن است چیزی باشد که اتفاقاً در هیچ فهرستی از عهد جدید وجود ندارد. شاید آنها واجد شرایط سرپرست مدرسه یکشنبه باشند. شاید آنها بهترین سرایدار دنیا باشند و عاشق انجام این کار باشند.

شاید آنها یک راهنما باشند. می‌دانید، یک راهنما خوب به دلایل مختلف یک نعمت الهی است. شاید آنها کسی باشند که خدمات را مدیریت می‌کند.

یه رهبر خوب برای سرود یه موهبتیه. مطمئن نیستم که گروه‌های پرستشی موهبت باشن. ببخشید، فقط یه کم دارم کنایه می‌زنم.

یک رهبر خوب برای یک مراسم، یک موهبت است. بنابراین، با تغییر فرهنگ، نیازهای جماعت نیز تغییر می‌کند. بنابراین، موهبت‌ها برای همیشه در حال گسترش به دسته‌های مختلف نیازها در جامعه هستند.

لازم نیست بی‌همتایی را با یافتن مرجع در عهد جدید اثبات کنیم. اما با پذیرفتن این واقعیت که یک شخص چگونه عمل می‌کند، می‌توانیم نحوه‌ی عملکرد کلیسا را بهبود بخشیم. بسیاری از کلیساها در فرهنگ آمریکایی چیزی داشته‌اند که ما آن را برنامه‌های بازدید می‌نامیم.

این [روش/روش] /...منسوخ شده است. برخی از دلایل آن به فرهنگ و دسترسی مردم مربوط می‌شود. در هنگ کنگ، نمی‌توانید به آنجا بروید و از آنجا دیدن کنید زیرا انجام این کار در ساختمان‌های بلند غیرقانونی است.

بنابراین، حداقل چیزی که به من گفته شده، و بنابراین، شما روش‌هایی برای وفق دادن خود با جایی که هستید دارید. اما، برخی افراد هستند که در بازدید از افرادی که از کلیسای شما بازدید کرده‌اند، استعداد دارند.

و آنها می‌توانند وارد شوند و توهین نکنند، و خوشحال باشند، و کاری کنند که آن افراد بخوانند بیایند. من دوست دارم از این تشبیه استفاده کنم، شما می‌توانید یک اسب را به سمت آب هدایت کنید، اما نمی‌توانید آنها را مجبور به نوشیدن آب کنید. با این حال، کار شما، به طور قیاسی، این است که آنها را تشنه کنید.

اگر به اندازه کافی تشنه شوند، آب می‌نوشند. بعضی از مردم در تشنه کردن گناهکاران برای جستجوی خدا استعداد دارند. من این را دیده‌ام.

من در این زمینه استعداد ندارم. اما دوستانی داشته‌ام و حتی در وزارتخانه‌هایی کار کرده‌ام که روسایم در این زمینه بسیار با استعداد بوده‌اند. واقعاً شگفت‌انگیز است.

آنها فقط اینطور بودند. بنابراین، این موهبت، عطایا و عملکرد تحت نظر کلیسا، این تجلیات چیزی است که روح می‌خواهد اتفاق بیفتد. اما اغلب اوقات، روح ما را همانطور که هستیم در نظر می‌گیرد و از ما در آن راستا استفاده می‌کند.

بنابراین، مجموع همه اینها پایان روز نیست. علاوه بر این، چه چیزی را به فهرست هدایای معنوی برای کلیسای خود در زمینه فرهنگی خود اضافه می‌کنید؟ این یک بحث عالی خواهد بود. چه چیزی اضافه می‌کنید؟ اگر یک کلیسای نوپا هستید و یک یا دو نفر دارید که می‌توانید روی آنها حساب کنید تا مطمئن شوید که سالن مدرسه برای مراسم صبحگاهی شما بازسازی شده است، لازم نیست نگران این موضوع باشید.

این یک موهبت الهی است. این یک موهبت است که کسی به اندازه کافی مسئولیت‌پذیر و با استعداد باشد تا این اتفاق بیفتد. صدا یک موهبت است.

اما، این چیست؟ این یک عملکرد است. این یک مجموعه مهارت است که برخی افراد دارند و برخی دیگر ندارند. پاورپوینت.

بفرمایید، فناوری. اینها چیزهایی هستند که در کلیساهای فعلی ما بسیار مهم هستند.

نوازندگان. وای. صحبت از استعداد شد. یک نوازنده خوب به اندازه وزنش طلا می‌ارزد. و بنابراین، یک فلسفه فهرست در کتاب مقدس، شما باید به آن پردازید، و احتمالاً باید برخی از کلیشه‌هایی را که شما را در مورد ماهیت استعدادها گمراه کرده‌اند، کنار بگذارید. اکنون، مشاهدات با توجه به این داده‌هایی که ما روی آنها کار کرده‌ایم.

صفحه ۱۸۲ در پایین. اول از همه توجه کنید که عطایا کارکردهایی هستند که فعالیت‌های کلیسا را تکامل و تقویت می‌کنند. این کارکردها زیر چتر کلیسا قرار دارند و کلیسا توسط روح القدس هماهنگ می‌شود.

در نتیجه، آنها در ارتباط با کار روح القدس تصویر می‌شوند. لازم نیست کالبدشکافی کنید، و نباید خیلی سخت‌گیر باشید که ادعا کنید کار روح القدس بوده و نه صرفاً نظم طبیعی امور زیر چتر آن. در این مورد مراقب باشید.

الف. برخی از مواهب معجزه‌آسا هستند و بنابراین، موهبتی مستقیم از جانب خداوند می‌باشند. برخی از ۲ مواهب، وظایف عادی افرادی هستند که مثلاً برای تشویق دیگران، به عنوان موهبتی الهی ظاهر می‌شوند.

استعداد تشویق. من استعداد انتقاد دارم. فکر کنم این بخشی از معلم بودن است.

من هیچ‌وقت در تشویق کردن خیلی خوب نبوده‌ام. به من پول می‌دادند تا به برگه‌هایتان نمره بدهم و به شما به C نشان بدهم چطور می‌توانید بهتر عمل کنید. من استخدام نشده بودم که برای انجام کارهای سطح شما پاداش بدهم.

به خاطر این حرفت تنبیهت می‌کنم، باشه؟ در این راستا، مهارت‌ها و شخصیت یک فرد قبل از مسیحی شدن نیز ممکن است در این زمینه معنوی جدید به خدا و جامعه خدمت کند و از این رو یک هدیه معنوی نامیده شود. ۳الف. تعیین نقش انواع هدایای معجزه‌آسا در کلیسای فعلی بسیار مورد بحث است.

ما بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد، و من یک سخنرانی کامل در پایان سخنرانی متنی خود در مورد این سوال دارم. کتابی وجود دارد که اکنون قدیمی شده است و احتمالاً باید دوباره نوشته شود موهبت‌های معجزه‌آسای ما برای امروز «نوشته وین گرودم، ویراستار، و به گمان من، چهار دیدگاه در آن» کتاب وجود دارد و این به شما کمک می‌کند تا این بحث را شروع کنید، اما این کتاب به دلیل قدیمی بودنش، اکنون به هیچ وجه کامل نیست. 4ب.

همه فهرست‌ها از نظر زمینه‌ای مشروط هستند و بنابراین، هیچ فهرستی یا حتی مجموع فهرست‌ها لزوماً کامل نیست. در نتیجه، کلیسا بر اساس شرایط فرهنگی تغییر یافته و نیازهای بدن، به گسترش آنچه که یک هدیه را تشکیل می‌دهد، ادامه می‌دهد. ۵. کلیسا چگونه هدایای اعضای خود را شناسایی می‌کند؟ چگونه می‌دانید هدیه شما چیست؟ چگونه می‌دانید هدیه شخص دیگری چیست؟ اول از همه، تفکر انتقادی در مورد آنچه زمینه خدمت به آن نیاز دارد، برای یک جماعت بسیار مهم است. نشستن و انجام تفکر انتقادی در مورد آنچه یک جماعت به آن نیاز دارد، مهم است.

من همین الان یک مرکز کلیسا می‌شناسم که کار نمی‌کرد و مجبور شدند کشیششان را اخراج کنند. آنها استعدادهایی داشتند، اما نه استعدادهایی که نیاز داشتند، و حالا دارند خودشان را از نو شکل می‌دهند. من دوستی دارم که در کمک به کلیساها برای فکر کردن به اینکه چه کسی هستند و چگونه باید برای خدمت آماده شوند، استعداد دارد. این دوست من نویسنده‌ی بسیار ماهری است که کتاب‌های زیادی نوشته و این کار را رایگان انجام می‌دهد. تنها کاری که باید انجام دهید این است که کرایه‌ی هواپیمایش را بپردازید و او را در آنجا مستقر کنید، و او از پس همه چیز برمی‌آید.

چه کمکی، چه هدیه‌ای، اما من نمی‌توانم این کلیسا را به انجام این کار وادار کنم. آنها فکر می‌کنند می‌دانند به چه چیزی نیاز دارند. آنها فکر می‌کنند که می‌دانند.

هرگز فریب نخورید و فکر نکنید که بدون کمک می‌دانید. به همین دلیل است که خداوند به ما یک جامعه داده است، و جامعه آنها به عنوان یک جامعه ترکیبی نمی‌تواند از آنچه که هست بالاتر برود. آنها به کسی نیاز دارند که به آنها کمک کند چیزها را ببینند، به آنها کمک کند آنچه را که نیاز دارند پیدا کنند، واقعاً استعدادهای خود را پیدا کنند و به آنها کمک کند در زمینه‌های خاصی پیشرفت کنند و در زمینه‌های دیگر کافی باشند.

تو خودت این کار را نمی‌کنی. تو به کمک نیاز داری. همه به کمک نیاز دارند، فرقی نمی‌کند چه کسی باشی.

بنابراین، تفکر انتقادی به طور طبیعی اتفاق نمی‌افتد. به کسی نیاز است که مهارت داشته باشد تا آن را به وجود آورد، ثانیاً، با مشاهده نحوه عملکرد اعضا هنگام عبادت و کار در بدن.

فقط به اطرافت نگاه کن. در جماعت مشغول شو، و بعد ببین چه اتفاقی می‌افتد. ببین چه کسی به یک نیاز ناگهانی می‌رسد و آن را محقق می‌کند.

در تفکر انتقادی خود هوشیار باشید. شما استعداد خود را اعلام نمی‌کنید. بدن استعداد شما را تأیید می‌کند.

می‌توانید بگویید، فکر می‌کنم این استعداد را دارم، اما این شما نیستید که تصمیم می‌گیرید این استعداد را دارید. اگر بگویید، فکر می‌کنم این استعداد را دارم، قدم بعدی شما این است که به آن جماعت بگویید، آیا فکر می‌کنید من این استعداد را دارم؟ من افرادی را می‌شناسم که برای تدریس در مدرسه یکشنبه جان می‌سپارند. آنها معتقد بودند که معلم با استعدادی هستند و در عرض یک ربع، یک کلاس ۴۰ نفره را به ۱۰ نفر رساندند.

خب، آنها معلم با استعدادی نبودند. باید آنها را از نو تربیت می‌کردیم. باید به آنها کمک می‌کردیم تا با نگاهی انتقادی ببینند که این استعداد ذاتی آنها نیست.

سوم، با به رسمیت شناختن رهبری مقدر شده توسط خدا. افسسیان ۴:۱۱. نیاز به رهبری وجود دارد. همه ما کشیش نیستیم.

من تابلوهای کلیسا را دیده‌ام که روی آنها نوشته شده، به جماعت خدمت کنید. نه، این درست نیست. همه افراد آن جماعت استعداد انجام کاری را که باید تحت عنوان خدمت رسمی انجام شود، ندارند.

حالا، همه به مردم خدمت می‌کنند، اما این کار، پایین آوردن سطح آن کلمه از حد و مرز است. افراد خاصی باید رهبری کنند. حالا، باید در رهبری در یک قلمرو گناه‌آلود، کنترل و توازن وجود داشته باشد، و اوضاع می‌تواند خیلی سریع خراب شود، اما واقعیت این است که خدا افرادی را برای رهبری برگزیده است.

آنها باید ظهور کنند. آنها باید به رسمیت شناخته شوند. باید به آنها گوش داده شود.

گاهی اوقات باید آنها را تحت فشار قرار داد، اما این فرآیند آموزشی است که این امر را محقق می‌کند - به رسمیت شناختن رهبری منصوب شده توسط خدا. صرفاً به این دلیل که کسی می‌گوید منصوب شده توسط خدا، یا حتی کلیسا می‌گوید که برای انجام این کار منصوب شده است، اگر آنها کار را خراب کنند، باید آنها را به چالش بکشید.

باز هم، طبق اول تیموتائوس ۳، شما به کلیسا نمی‌گویید که می‌خواهید چه مقامی باشید. شما خواهید گفت، خب، من این خدمت را می‌خواهم. کتاب مقدس می‌گوید اگر کسی می‌خواهد کشیش شود، کار خوب می‌خواهد، خب، بقیه‌اش را بخواند.

سپس، کلیسا به شما می‌گوید که آیا آرزوی شما معتبر است یا خیر. شما به کلیسا نمی‌گویید که می‌خواهید چه مقامی داشته باشید. آنها به شما می‌گویند که واجد شرایط چه مقامی هستید.

این قدرت یک جامعه است، اما باید جامعه‌ای باشد که اهل فکر کردن باشد، نه فقط احساسات. شما باید تفکر انتقادی داشته باشید. شما باید هوشیار باشید.

و شما باید بتوانید از خودتان بیرون بایستید و ببینید نقاط قوت و ضعف شما چیست. می‌توانید آن را آرزو کنید، اما کلیسا کسی است که به شما می‌گوید آیا شما چنین هستید یا خیر. طرز فکر خصوصی و مستقل مسیحیت آمریکایی، از کل این موضوع عطایا به طرز وحشتناکی سوءاستفاده کرده است.

ما فکر می‌کنیم که هدیه دادن تصمیم ماست، اما این تصمیم ما نیست. این خواست خدا و به رسمیت شناخته شدن کلیسا در چارچوب خدمت است. نرسید هدیه شما چیست.

فقط مشغول شو. کاری انجام بده و شاهد ظهور آن باش. در عهد جدید هم همینطور بوده است.

این روشی است که در دنیای واقعی، حتی در دنیای تجارت، انجام می‌شود. شما به عنوان یک مرد در آن ساختمان بزرگ شروع می‌کنید، و استعداد و صداقت شما به شما کمک می‌کند تا به طور طبیعی از نردبان فعالیت و مسئولیت بالا بروید، نه به این دلیل که آن را مطالبه می‌کنید. اول تیموثائوس ۳، شما می‌توانید آرزو کنید، اما کلیسا با ارزیابی، منصوب می‌کند.

این نوعی مرور کلی بر عطایا است. با شروع این فصل، به سخنرانی بعدی در صفحه ۱۸۳ برمی‌گردیم و به طور خاص به این موضوع می‌پردازیم که متن چگونه این مسائل را آشکار می‌کند، به خصوص در زمینه‌ای که پولس باید اصلاحاتی انجام دهد. روز خوبی داشته باشید.

این دکتر گری میدورز در تدریس خود در مورد کتاب اول قرن‌تین است. این سخنرانی ۲۸، اول قرن‌تین ۱۲- پاسخ پولس به سوالات مربوط به عطایای معنوی است. مقدمه‌ای بر اول قرن‌تین ۱۲-۱۴، ۱۴.